

مقدمه ویراستار

متأسفانه در زبان فارسی کتابهای اندکی (اگر نگوییم هیچ کتابی) در باب نقد تئاتر وجود دارد. مقالات پراکنده‌ای هم که در این زمینه (در قالب ترجمه یا غیر آن) در مجلات و یا کتابها به چشم می‌خورد، یا از هر گونه مبنای علمی بی‌بهره‌اند و یا اینکه به دلیل خارج شدن از زمینه اصلی (که این مورد بیشتر در مورد ترجمه‌های مقالات تک به چشم می‌خورد) تأثیر خود را تا حد زیادی از دست می‌دهند. نیز، بخش اعظم کسانی که با برخورداری از صفت «منتقد» نقدهای خود را در روزنامه‌ها و مجلات به چاپ می‌رسانند غالباً با پرداختن به حواشی و یا کلی‌بافی، جز بالا بردن حجم نوشته‌های بی‌سر و ته کار دیگری انجام نمی‌دهند. بدیهی است که میان تئاتر و نقد تئاتر پیوند تنگاتنگی وجود دارد و این پیوند دیالکتیکی می‌تواند هر دو حوزه را بارور کند. مثال روشن این امر هم کشورهای است که در آنها نقد و تئاتر همپای هم می‌بالند و رشد می‌کنند. متأسفانه فقدان این پیوند در کشور ما به آسیبهایی جدی، هم در تئاتر و هم در نقد، دامن زده است. نقد چیست؟ کارکرد آن چیست؟ آیا چیزی از قبیل نقد خوب یا بد وجود دارد؟ و یا منتقد کیست؟ اینها مسائلی است که هنوز در فرهنگ تئاتری ما بی‌پاسخ مانده است.

نقد تئاتر از قرن هجدهم شکل گرفت و از آن زمان موجهای زیادی را از سر گذرانده است. کتاب نقد تئاتر، نوشته ایروینگ واردل، قطعاً یکی از اولین کتابهایی است که به صورت ریشه‌ای مسأله نقد، و کار منتقد را بررسی می‌کند. واردل، که خود یکی از منتقدان سرشناس تئاتر انگلستان است، در این کتاب با هوشمندی و درایت فراوان مسأله نقد و تمام مسائلی را که منتقد با آن رو در روست، بررسی می‌کند. وی علاوه بر ترسیم نسبتاً دقیق تاریخ نقد تئاتر از قرن هجدهم، مسائل مربوط به نقد روزنامه‌ای، شرایط کاری منتقد، و مسائلی نظیر نقد متن، نقد بازیگری، نقد اجرا، و (مهمتر از همه) اخلاقیات نقد را به بحث می‌گذارد.

کتاب از دو فصل تشکیل شده است: (1) دعاوی، و (2) قلمرو. هر دو فصل نیز از بخشهای کوچکتری تشکیل شده است که بدقت مهمترین مسائل نقد و منتقد را طرح می‌کنند. بدین لحاظ بندرت می‌توان در کل این بخشها، مطلبی به دور از بصیرت را پیدا کرد. کتاب واردل در واقع به نوعی «نقد نقد» و «نقد منتقد» هم محسوب می‌شود. بخش عمده‌ای از کتاب بر مبنای جزئیات جالب توجهی شکل گرفته است که وی با استفاده از آن به توصیف عمل نقد و کار منتقد می‌پردازد.

دو اصطلاح reviewing و reviewer و نیز اصطلاحاتی نظیر criticism و critic بارها در کتاب واردل مورد استفاده قرار می‌گیرند. از آنجا که این اصطلاحات در زبان فارسی تقریباً معادل‌های یکسانی دارند، دو اصطلاح اول به «نقد روزنامه‌ای» و «منتقد روزنامه‌ای» و دو اصطلاح دیگر به «نقد» و «منتقد» ترجمه شده است. علاوه بر این نثر واردل، نثری بسیار کنایی، دوگانه، و پیچیده است. به همین لحاظ بناگزی در ترجمه بخشی از این بازبهای زبانی، و در عین حال شیرین به بهای ترجمه سلیس از دست رفته است.

امید است این کتاب که برای اولین بار در زبان فارسی مسأله نقد تئاتر را به طور جدی مورد بحث قرار می‌دهد، به رفع ابهامات، تنگ‌نظریها، و عوامزدگی نقد تئاتر امروز ایران یاری برساند. این کتاب در واقع ادامه راهی است که سازمان سمت با چاپ کتابهایی نظیر تفسیری بر تراژدیهای یونان باستان (یان کات)، و

کارگردانی نمایشنامه (فرایستن هاج) آن را گشوده بود. در اینجا لازم می‌دانم از تلاشهای مترجم کتاب، آقای عباس منطقی، و نیز راهنماییهای جناب آقای منصور براهیمی و زحمات سرکار خانم سهیلا مقدم تشکر کنم.

تابستان 1383

علی اکبر علیزاد

یادداشتی در مورد ضمائر

شخصیتهای عمده در این کتاب، منتقد و خواننده هستند که گاهی از ضمائر «او» (he) و «شما» (you) برای اشاره به آنها استفاده شده است. متأسفانه روزنامه‌های انگلیسی، هنوز علاقه‌مند هستند که نقدکنندگان اصلی تئاتر از میان مردها باشند. اما منظور خود من از انتخاب ضمیر مذکر، تنها به خاطر سهولتهای دستور زبانی است که البته این نکته نباید به منزله تأیید وضع موجود باشد.

در موردی که خواننده را با ضمیر «شما» مخاطب قرار می‌دهم دلایل و عللی برای آن دارم: معمولاً از منتقدان چنان سخن می‌گویند که گویی این افراد از نژادی جداگانه - همچون سکه‌شناسان، متخصصان رده‌بندی علمی، یا مأموران اعدام‌اند. اما واقعیت این نیست؛ هرکس، بویژه شخصی که اهل تماشای تئاتر باشد، خود تا حدی منتقد تئاتر است. برخی از آنان عقاید خود را بیان می‌دارند، برخی عقایدشان را منتشر می‌سازند؛ و برخی نقد را بسط می‌دهند و دستمایه‌هایی برای باقی ما خلق می‌کنند تا به نقد بپردازیم. البته ما هرچه بهتر این کار را انجام دهیم، شانس بیشتری برای تبدیل لذتی گذرا به نوعی دارایی دائمی در اختیار داریم. بنابراین «شما» هر کسی است که برحسب اتفاق این کتاب را می‌خواند.

نقد تئاتر

نقد تئاتر که پیش از قرن هجده میلادی آغاز شده بود از آن قرن به بعد همچنان قدرت خود را حفظ کرده است. این نوع نقد به طرفداران زیادی دست یافته است که دامنه آن هم شامل هنرمندانی می‌شود که مستقیماً با آن ارتباط دارند و هم خوانندگانی که هرگز آن نمایش را نخواهند دید؛ این هنرمندان و خوانندگان انتظاری متفاوت از خود منتقد دارند و طبعاً واکنشهای آنها نیز متفاوت است: خشم، اهانت، احترام، علاقه و لذت را باید از انواع این واکنشها به شمار آورد، اما با آنکه تئاتر همواره در بوته آزمایش و

نقدی شدید بوده، خود منتقد از آزمایش و نقد بر کنار و مصون مانده است. ابروینگ واردل¹ در این کتاب به ردگیری تاریخ می‌پردازد، اعتبار این حرفه بغرنج را به تعریف می‌آورد و مشکلات مقاله‌نویسی را بررسی می‌کند. آنگاه کار خود را با بررسی شرایط کاری منتقدان، و رنجها و محاسن ناشی از کار سریع در حرفه‌ای که جایی ناخوشایند مابین روزنامه‌نگاری و هنرهای اجرایی اشغال کرده است به پایان می‌برد.

ابروینگ واردل در حال حاضر منتقد تئاتر در جریده *ایندی‌پندنت آن سان‌دی*²، است؛ وی بین سالهای 1963 تا 1989 نقدنویس تئاتر در روزنامه *تایمز* بوده، و برای روزنامه‌ها و مجلات *لوس آنجلس تایمز*، *نیویورک تایمز*، *تیترا استرلیا*³ و *پلیزاند پلیرز*⁴ مطلب نوشته است.

¹ Irving Wardle

² Independent on Sunday

³ Theatre Australia

⁴ Plays and Players